

هلمشهری



زن ۵۶ ساله به قتل ۷ مرد اعتراف کرد

دستگیری «بیوه سیاه» در مازندران

گزارش

جواد عزیز یزی

روزنامه‌نگار

وقتی زن ۴۶ساله به جرم قتل همسر صیغه‌ای اش دستگیر شد، کسی تصورش را هم نمی کرد که او یک قاتل سریالی است که طی ۹سال جنایت، شوهران صیغه‌ای اش را به قتل رسانده است. هر چند زن ۴۶ساله به قتل ۷مرد اعتراف کرده اما بررسی‌ها نشان می دهد که او در این سال‌ها ۱۲ شوهر صیغه‌ای داشته که همه آنها جان شان را دست داده‌اند و به همین دلیل احتمال می‌رود آمار قربانیان او بیشتر از ۷ نفر باشد. به گزارش همشهری، قاتل سریالی مازندران که کلثوم نام دارد، هفته گذشته از سوی پلیس شهرستان محمودآباد به جرم قتل شوهرش دستگیر شد. شوهر او مردی ۸۲ساله بود که ابتدا تصور می شد به‌دلیل سکنه جان‌باخته‌ها بستگانش می گفتند که او به قتل رسیده‌است. یکی از بستگان مقتول در تشریح ماجرا به مأموران گفت: پدرم سالخورده بود و تنها زندگی می کرد؛ برای اینکه همدمی داشته باشد به‌دنبال زنی می گشتم که با شرایط او سازد و با وی ازدواج کند. پس از مدتی جست‌وجو از طریق یکی از آشنایان با زنی ۴۶ساله به نام کلثوم

آشنا شدیم. او می گفت که شوهرش مدت‌ها پیش فوت شده و تنها زندگی می کند و وقتی شرایط پدرم را گفتم، قبول کرد که به‌صورت موقت به عقد پدرم در بیاید.

مهر به ۵۰۰ میلیون تومانی

کلثوم ۴۶ساله با مهریه ۵۰۰میلیون تومانی به‌عنوان همسر صیغه‌ای مرد ۸۲ساله راهی خانه او شده و زندگی مشترک این زوج آغاز شد. اما فقط چندماه زمان کافی بود تا مرد ۸۲ساله متوجه شود که کلثوم قصد جانشش را دارد. این مرد چند روز پیش از مرگش به بچه‌هایش گفته بود که کلثوم به زور به او قرض قلب و قرض فشار می دهد و هر بار با خوردن نوشیدنی‌هایی که وی درست می کند، از حال می رود.

مرد ۸۲ساله تنهاچندروز پس از گفتن این جملات به فرزندانش، جانش را از دست داد و به‌دنبال مرگ او، فرزندان‌ش راهی اداره پلیس شدند و از همسر صیغه‌ای پدرشان به اتهام قتل شکایت کردند. با این شکایت، پرونده‌ای در دادسرا تشکیل شد و تیمی از مأموران به تحقیق درساره مرگ مرد ۸۲ساله پرداختند و با به‌دست آمدن سرنخ‌هایی که ظن دست داشتن کلثوم در جنایت را قوت می‌بخشید، این زن دستگیر شد.

اعترافات هولناک

زن ۵۶ساله هفته گذشته دستگیر شد و تحت بازجویی قرار گرفت. او که می دید دستش نزد پلیس رو شده، علاوه بر قتل پیر مرد ۸۲ساله به قتل هفتر دیگر هم اعتراف کرد؛ هفتگری که همگی مردانی ۷۵سال به بالا بودند که زن جنایتکار ابتدا به‌صورت موقت بسا آنها ازدواج می کرد و پس از حدود تا ۳ماه زندگی مشترک، با خوراندن قرض یا حل کردن آن در نوشیدنی، طعمه‌هایش را به قتل می‌رساند.

ازدواج در ۱۱سالگی

اعترافات زن جنایتکار نشان می‌داد که او در خانواده‌ای کاملاً معمولی در یکی از روستاهای شهرستان سساری به دنیا آمده بود. وی در ۱۱سالگی با نخستین شوهرش ازدواج کرده که حاصل این ازدواج یک فرزند پسر بود؛ پسرى که سال‌ها بعد بر اثر بیماری در گذشت. کلثوم پس از مرگ شوهر اولش، با مرد دیگری ازدواج کرده؛ ازدواجی که حاصل آن دختری بود که حالا ازدواج کرده و از اینکه مادرش به قتل دست کم ۷نفر اعتراف کرده، شوکه شده است. قاتل سریالی پس از مرگ شوهر دومش، چندبار دیگر هم به‌صورت دائم ازدواج کرد؛ طوری که

در شناسنامه‌اش ازدواج دائم با ۵نفر ثبت شده و حالا تحقیقات برای یافتن این افراد و مشخص شدن سرنوشت آنها ادامه دارد.

شروع قتل‌ها

آنطور که زن جنایتکار اعتراف کرده، وی قتل‌هایش را از حدود ۹سال پیش آغاز کرده است. او طعمه‌هایش را از بین مردان سالخورده تنها اما پولدار انتخاب می‌کرد. کلثوم ابتدا در گنده‌های زانه حاضر می‌شد و از زندگی‌اش می‌گفت و اینکه تمایل دارد به عقد موقت مردی سالخورده که تنها زندگی می‌کند در بیاید. به این ترتیب افرادی که برای پدر سالخورده اما تنهای خود به‌دنبال همدم می‌گشتند، با او آشنا می‌شدند و کلثوم وقتی مطمئن می‌شد که سوژه موردنظرش ثروت زیادی دارد، به شرط دریافت مهریه به عقد او در می‌آمد. مهریه‌ای که زن جنایتکار طلب می‌کرد معمولاً پول نقد هنگفت یا ملک بود و به این ترتیب به عقد سوژه مورد نظرش درمی‌آمد اما در کمتر از ۳ماه با شگردهایی که داشت، شوهر صیغه‌ای اش را از طریق خوراندن دارو یا خفه کردن به قتل می‌رساند و بعد مهریه خود را به‌اجرا می‌گذاشت؛ به‌گونه‌ای که طبق تحقیقات پلیس، وی توانسته

بود با این شگرد، صاحب چند ویلای مجلل در استان مازندران شود که ارزش آنها میلیاردها تومان است.

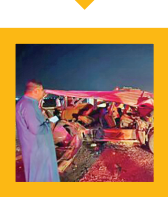
جنایت در شهرهای مختلف

آنطور که تحقیقات پلیس نشان می‌دهد کلثوم قتل‌هایش را در شهرهای مختلف مازندران مرتکب شده‌است، از ساری و قائم‌شهر گرفته تاکا و پابل. او پس از نخستین قتلی که مرتکب شد، مورد ظن خانواده مقتول قرار گرفت؛ تا جایی که آنها از وی می‌گفت و اینکه تمایل دارد به عقد موقت مردی سالخورده که تنها زندگی می‌کند در بیاید. به این ترتیب افرادی که برای پدر سالخورده اما تنهای خود به‌دنبال همدم می‌گشتند، با او آشنا می‌شدند و کلثوم وقتی مطمئن می‌شد که سوژه موردنظرش ثروت زیادی دارد، به شرط دریافت مهریه به عقد او در می‌آمد. مهریه‌ای که زن جنایتکار طلب می‌کرد معمولاً پول نقد هنگفت یا ملک بود و به این ترتیب به عقد سوژه مورد نظرش درمی‌آمد اما در کمتر از ۳ماه با شگردهایی که داشت، شوهر صیغه‌ای اش را از طریق خوراندن دارو یا خفه کردن به قتل می‌رساند و بعد مهریه خود را به‌اجرا می‌گذاشت؛ به‌گونه‌ای که طبق تحقیقات پلیس، وی توانسته

احتمال افزایش قتل‌ها

قاتل سریالی مازندران در حالی به قتل ۷نفر از شوهران صیغه‌ای‌اش اعتراف کرده که بررسی‌ها نشان می‌دهد که او با ۵نفر به‌طور دائم عقد و با ۱۳ نفر به‌صورت موقت عقد کرده بود. این در حالی است که همه ۱۳ مردی که پیش از این با او ازدواج کرده بودند، جانشان را از دست داد‌اند. به همین دلیل احتمال می‌رود که متهم در قتل افراد بیشتری دخیل باشد و تعداد قربانیان او از عدد انبیشتر شود. به گفته سردار حسن مخفمی شهرستانی، فرمانده انتظامی مازندران، متهم اعتراف کرده که با افزودن مواد بیپوش کننده در نوشیدنی همسرانش، آنها را بیپوش می‌کرد و بعد به قتل می‌رساند و در حال حاضر تحقیقات برای شناسایی سایر جنایات احتمالی این زن ادامه دارد.

کوتاه از حادثه



مرگ ۱۹زائر

در تصادف

به‌دنبال برخورد ۲ دستگاه ون در محسور کاظمین به سامرا، ۱۹نفر جان باختند که از این تعداد، ۲نفرشان زائر ایرانی بودند.

به گزارش همشهری، این تصادف ساعت ۲۳:۳۰جمعه دهم شهریور اتفاق افتاد. آن شب ۲ دستگاه‌ون که حامل زائران ایرانی، افغانستانی و عراقی بود در محور کاظمین به سامرا در حومه شهر بلد، با یکدیگر برخورد کردند.

به گفته رئیس مرکز کنترل عملیات هلال احمر در کشور عراق، در این حادثه ۱۹ زائر جان باختند و ۱۱نفر مصدوم شدند. از ۱۹ فوتی این حادثه، ۲ نفر ایرانی، ۴ نفرافغانستانی و ۳نفر عراقی بودند. اشکان موسوی، مدیر روابط عمومی جمعیت هلال احمر در این باره گفت: اکثر مصدومان و جان‌باختگان این حادثه از شهر اصفهان بودند.موسوی افزود: جان‌باختگان در حال حاضر در سردخانه بیمارستان بلد هستند که پس از صدور گواهی فوت، اجسادشان به کشور منتقل خواهد شد.



معمای جسد مردی در دانشگاه

پیدا شدن جسد مردی که یک‌ماه از مرگش می‌گذشت در محوطه یکی از دانشگاه‌های تهران، نیم‌جایی را با یک معما روبه‌رو کرده است. به گزارش همشهری، ساعت ۸صبح دپروز به قاضی وحید ناصری باز پرس جنایی تهران خبر رسید که جسد مردی جوان در محوطه یکی از دانشگاه‌های تهران پیدا شده است.

فرد ناشناسی که در محوطه نیمه‌کاره‌ای که در محوطه دانشگاه در حال ساخت بود، توسط یکی از کارکنان دانشگاه پیدا شده بود. حالا باز پرس جنایی تهران، دستور داده تا با بررسی تصاویر دوربین مداربسته در اطراف دانشگاه اسرار این حادثه رموز را زنگشایی شود.



سرقت از همسایه سارق رالوداد

سارق حرفه‌ای وقتی شناسایی شد که دست سرقت از خودروی همسایه زد. به گزارش همشهری، سردار علی ولی پورگودرزی، رئیس پلیس آگاهی تهران گفت:به دنبال سرقت لوازم داخلی خودرویی در پارکینگ ساختمانی در منطقه ابوسعید، مأموران راهی آنجا شدند. ادامه داد: بررسی‌ها نشان می‌داد که سرقت از سوی یکی از ساکنان ساختمان صورت گرفته است.

همچنین مشخص شد که یکی از ساکنان سابقه‌دار بوده وپسه دفعات مختلف به جرم قاب‌زنی و سرقت محتویات خودروو جعل دستگیر شده‌است.این مرد در ادامه دستگیر شد و علاوه بر اعتراف به سرقت از خودروی همسایه، به ۱۰۰افقره سرقت مشابه در ۳ماه‌اخیر اشاره کرد و تحقیقات پلیس برای شناسایی مال باختگان ادامه دارد.

کوتاه تر از گزارش

تازه‌عروس با همدستی خواهر شوهر‌هایش راهی سرقت می‌شد

سرقت برای آزادی پدرشوهر

«من بیمار شده‌ام و دلم نمی‌خواهد در زندان جانم را از دست بدهم» زندانی ۷۰ساله که یک کلاهبردار حرفه‌ای بود از زندان بافرزندانش تماس گرفت و با گفتن این جملات، برای آزادی از آنها درخواست کمک کرد. فرزندان این مرد کلاهبردار پس از این تماس به تکاپو افتادند و برای آزادی پدر خانواده، نقشه سرقت‌های سریالی کشیدند.

به گزارش همشهری، تحقیقات در این پرونده از حدود ۳ماه قبل شروع شد. وقتی مأموران پلیس در جریان سرقت‌های سریالی از شرکت کنندگان در مراسم ختم قرار گرفتند. مال‌باخته‌ها کسانی بودند که برای شرکت در مراسم خاکسپاری و ختم به بهشت زهرا(س) یا مساجد رفته بودند. بررسی‌ها نشان می‌داد سارقان ۳زن جوان هستند که با نزدیک شدن به افراد عزادار، در یک چشم‌برهم‌زدن، جیبشان را خالی می‌کنند. در این شرایط تلاش برای بازداشت سارقان حرفه‌ای ادامه داشت تا اینکه چند وقت قبل یکی از سارقان زن سرس بزنگاه گیر افتاد. وی در حال خالی کردن جیب فردی بود که پدرش را از دست داده بود و شیون می‌کرد. در همان لحظه یکی از بستگان مال‌باخته متوجه سرقت زن جیب‌بر شده و بلافاصله به وی نزدیک شد و مشش را گرفت. از سوی دیگر آزن جوان که به‌نظر می‌رسید همدستان وی هستند، به آرامی از میان جمعیت عبور کرده و گریختند. در این میان شاهدان به پلیس رنگ زدند و طولی نکشید که مأموران در آنجا حاضر شدند. هر چند زن جوان فریاد می‌کشید که بی‌گناه است اما در با زاری از کیف وی، ۳گوشی موبایل و ۲کیف زانه به‌دست آمد.

اموال مسروقه متعلق به زنان سیاه‌پوشی بود که در مراسم خاکسپاری حضور داشتند. دیگر راهی برای کتمان وجود نداشت و زن جوان ناچار شد جرم خود را گردن بگیرد. این زن دستگیر شد و در بازجویی‌ها اعتراف کرد که سرقت‌های سریالی را با همدستی ۲خواهرشوهرش انجام می‌دهد. خواهرشوهرهای این زن جوان از افراد سابقه‌دار در زمینه جیب‌بری بودند که دستگیر شدند و هر ۳متهم به دستور قاضی علیرضا بهشتی، باز پرس شعبه دوم دادسرای ویژه سرقت، برای انجام تحقیقات بیشتر در اختیار مأموران اداره آگاهی تهران قرار گرفتند.

بازی در نقش یک مرده

تازه‌عروس ۲۴سال بیشتر ندارد و می‌گوید خانواده شوهرش او را مجبور به سرقت می‌کردند تا پدر شوهرش را از زندان آزاد کند. گفت‌وگو با این تازه‌عروس سارق را می‌خوانید.

پدرشوهرت به چه جرمی در زندان است؟
کلاهبردار ی. او سال‌هاست که در زندان است اما به تا‌جکی مبتلا به یک بیماری لاعلاج شده و دشن می‌خواهد زود تر از پشت میله‌های زندان آزاد شود. او به شوهرم و خواهرشوهرم گفته که بزرگ‌ترین آرزوش قبل از مرگ این است که در خانه خودش بمیرد.

و تو هم به خاطر آزادی پدرشوهرت، برای خودت در دست کردی و تبدیل به یک خلافکار شدی؟
باور کنید مجبور شدم. من مجرم نیستم و در یک خانواده درست و حسابی بزرگ شده‌ام. با دستان خودم زندگی‌ام را تا‌بود کردم. در‌دست از زوری که مه‌ران وارد زندگی‌ام شد، بدبختی سراغم آمد.

با شوهرت مه‌ران چطور آشنا شدی؟
دوستش کیمف را در خیابان زد. من که روز روز نفهمیدم که مه‌ران با کیف‌قاپ همدست است. او آن روز فردین بازی در آورد و وانمود کرد سرگ دزد کیف‌قاپ رفته و گیرش انداخته‌است تا کیفم را برگرداند اما در حقیقت با سارق همدست بودند و باهم کیف‌قایی می‌کردند. او فریبم داد و نقش یک آدم حسابی را بازی کرد. می‌گفت مقیم آلمان است و حتی پدرش هم در آلمان زندگی می‌کند. به‌خواستگاری‌ام آمد و باوجود مخالفت‌های خانواده‌ام، به‌ازدواج یا او اصرار کردم اما بعد از عقد متوجه شدم که پدر شوهرم در زندان است. شوهرم و خواهر‌هایش هم سارق و جیب‌بر سابقه‌دار هستند. پدر شوهرم به بهانه‌اخذ ویزای آلمان، سسر افراد زیادی را کلاه گذاشته و میلیارد‌ها تومان پول به جیب زده بود. حتی برای مدتی شش مرده را بازی کرده و خانوادهاش اعلامیه او را روی در و دیوار چسباند و برایش مراسم ختم گرفته بودند اما یکی از طلبکارانش به‌صورت اتفاقی او را در خیابان دیده و به این ترتیب نقشه فرارش از دست طلبکاران تا‌کام مانده بود.

با چه شگردی سرقت می‌کردی؟
با همدستی ۲نفر از خواهر شوهر‌هایم به بهشت زهرا یا مساجد می‌رفتیم و جیب سیاه‌پوشان را خالی می‌کردیم. البته که من این‌کاره نبودم و خواهر شوهرانم به من آموزش جیب‌بری دادند تا اینکه کم‌کم راه‌افتادم.

